



شخصی سازی در مجتمع های مسکونی حداقلی و بازتاب آن در تحولات کالبدی معماری آنها

(نمونه موردی: مجتمع های مسکونی مهر زیتون شهر پردیس)**

مطهره سروش^۱، محمدرضا بمانیان^۲

^۱ پژوهشگر دوره دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. m.soroush@modares.ac.ir

^۲ (نویسنده مسئول) استاد، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. bemanian@modares.ac.ir

چکیده

شخصی سازی در مسکن، یعنی ساکنین قادر باشند به طریقی مَهر خود را بر آن مکان بزنند و آن را متعلق به خود و شخصی نمایند. طراحی مسکن به صورت انبوه در قالب مجتمع های مسکونی (مانند طرح مسکن مهر)، معمولاً تنزل در کیفیت هویت اختصاصی واحدهای مسکونی را به همراه دارد. در صورتی که در عین وجود کمینگی فضایی، تلاش برای غنای کیفی و ایجاد مکانی با هویت صورت نگیرد، ساکنین در ارتباط خود با مکان (خانه)، دچار مشکل می شوند و رابطه پایدار مکان - انسان شکل نخواهد گرفت. لذا دغدغه مند بودن طراحان، سازندگان، مسئولان و کاربران (ساکنین)، در رابطه با خلق مجتمع های مسکونی ضروری و مهم هست. با انتخاب نمونه موردی (مجتمع مسکن مهر زیتون در شهر جدید پردیس)، مطالعه میدانی با شیوه پرسه زنی، مشارکت فعال و گفت و گو با ساکنین انجام شد. رویکرد جمع آوری داده ها، نگرش سنجی از ساکنین و شیوه آن، پرسش نامه با سؤالات بسته (طیف لیکرت) و باز بود. اندازه جامعه آماری، ۳۷۸ واحد مسکونی دارای سکونت بود که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۱۹۰ واحد مسکونی به عنوان جامعه نمونه انتخاب شد. به منظور تحلیل داده ها، از سنجش فراوانی و روابط همبستگی پیرسون با کمک نرم افزار تحلیلی SPSS استفاده شد. کم ترین میزان رضایت ساکنین مربوط به همسانی شکل واحدها (۰.۷) و ابعاد فضاها (۱.۲) و بیشترین دغدغه شخصی سازی مربوط به تغییر ابعاد فضاها (۴.۳) و تغییر و زیباسازی بلوک (۳.۳) بوده است. آزمون های همبستگی پیرسون نشان می دهد هر چه از فضاهای عمومی تر به فضاهای خصوصی تر می رسیم، دغدغه ذهنی و تمایل به مشارکت برای تغییر و شخصی سازی افزایش می یابد. در فضاهای عمومی (فضای باز و لابی) میزان مشارکت در شخصی سازی، تابعی از میزان رضایت افراد از فضاها و بسیار کم است؛ در واقع جاذبه فضا، آنان را به مشارکت وامی دارد. این درحالیست که در فضاهای خصوصی (داخل واحدها)، علی رغم ناراضی زیاد از خانه، ساکنین تمایل زیادی به ایجاد تغییرات شخصی در محیط داشته اند.

اهداف پژوهش:

۱. تبیین نسبت هویت و شخصی سازی در مجتمع های مسکونی حداقلی.

۲. تعیین پیامدهای شخصی سازی در مجتمع های مسکونی حداقلی.

سؤالات پژوهش:

۱. نسبت هویت و شخصی سازی در مجتمع های مسکونی حداقلی چگونه است؟

۲. پیامدهای شخصی سازی در مجتمع های مسکونی حداقلی چیست؟

** این مقاله برگرفته از رساله دکتری مطهره سروش تحت عنوان "حس مکان و فضای بینایی در کالبد خانه ایرانی (شهرهای مرکزی مازندران)" و به راهنمایی دکتر محمدرضا بمانیان است.

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۱

دوره ۲۰

صفحه ۳۱۲ الی ۳۲۶

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۰۶

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

مسکن،

هویت،

شخصی سازی،

خود گسترده،

خوانایی.

ارجاع به این مقاله

سروش، مطهره، بمانیان، محمدرضا. (۱۴۰۲).

شخصی سازی در مجتمع های مسکونی

حداقلی و بازتاب آن در تحولات کالبدی

معماری آنها (نمونه موردی: مجتمع های

مسکونی مهر زیتون شهر پردیس). مطالعات

هنر اسلامی، ۲۰(۵۱)، ۳۱۲-۳۲۶.



dorl.net/dor/



dx.doi.org/10.22034/IAS

۲۰۲۳.۳۸۲۳۶۸.۲۱۶۹

مقدمه

جهان در قالب عین و ذهن برای انسان معنی می‌یابد. انسان‌ها با تفکر و تجربه، اطلاعات را دریافت می‌کنند، آن‌ها را ادراک نموده و منجر به شناخت محیط می‌شود. انسان در فضای بی‌کران و بی‌جهت قابلیت مسیریابی ندارد، لذا نشانه‌هایی را در محیط شناسایی یا ایجاد می‌کند. نشانه‌ها بنابر انتخاب هر فرد ساخته می‌شوند و به‌نوعی رد پای او محسوب می‌شوند. همان‌طور که سبک پوشش، گفتار و رفتار هر فرد برآیند ویژگی‌ها و خواست‌های درونی او و عوامل بیرونی (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، محیطی و...) است، محیط زندگی هر فرد نیز تحت تأثیر برآیند این عوامل بیرونی و درونی است. با این تفاسیر، انسان‌ها محیط زندگی خود و «مکان» را براساس انتخاب‌های خود و بالفعل درآوردن آن‌ها، «شخصی‌سازی» می‌کنند. همان‌طور که انسان‌ها ممکن است استفاده از پوشش یکسان در محل کار را بپذیرند؛ اما تمایل دارند در خانه که حریم خود می‌دانند آن‌طور که دوست دارند لباس بپوشند، نسبت به معماری مکان نیز همین احساس را دارند؛ یعنی اگرچه ممکن است به راحتی در ساختمان‌ها و اتاق‌هایی مشابه با سایرین به کار و فعالیت بپردازند، اما دوست دارند زبان معماری خانه خود را به دستور زبان شخصی خود ترجمه کنند، لذا یکسان بودن آن کسالت‌بار خواهد شد.

خانه، مکانی است که عموماً انسان از بدو تولد در آن زندگی می‌کند، از آن تأثیر گرفته و بر آن تأثیر می‌گذارد. همچنین اغلب به دلیل حاکم نبودن قوانین و مقررات شهرها و کشورها در داخل محیط خانه و به دلیل محدود بودن و شناخته‌شده بودن کاربران عرصه‌های مشاع در مجتمع‌های مسکونی، افراد تمایل بیشتری به «شخصی‌سازی» این فضاها دارند؛ هم آزادی بیشتری برای این فرایند دارند و هم مکانی دائمی‌تر برای افزودن تعلقات انسان‌ها بدان است، برخلاف فضاهای عمومی و شهری که دائماً در تغییر و در معرض اتفاقات پیش‌بینی نشده است.

در این پژوهش، «شخصی‌سازی» در مجتمع‌های مسکونی شامل فضای خانه‌ها و فضاهای مشترک (مشاع) بررسی خواهد شد. مجتمع مسکونی زیتون، به‌منظور بررسی انتخاب شده است. این مجتمع، مجتمع مسکن مهر واقع در فاز ۳ شهر پردیس هست.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. روش پژوهش در دستیابی به مبانی نظری موضوع، شیوه کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی بوده است. با انتخاب شهر موردنظر (شهر پردیس)، مطالعه میدانی با شیوه پرسه‌زنی، مشارکت فعال و گفت‌وگو با ساکنین مجتمع‌های مسکونی انجام شد. برای بررسی نظریه‌های موجود در زمینه شخصی‌سازی در مجتمع‌های مسکونی، نمونه موردی (مجتمع زیتون) از مسکن مهرشهر پردیس انتخاب شد. رویکرد جمع‌آوری داده‌ها، نگرش‌سنجی از ساکنین و شیوه آن، پرسش‌نامه با سؤالات بسته و باز بود. اندازه جامعه آماری، ۳۷۸ واحد مسکونی دارای سکونت بود که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۱۹۰ واحد مسکونی به‌عنوان جامعه نمونه انتخاب شد. شیوه نمونه‌گیری، نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی‌شده بود؛ بدین‌صورت که تعداد نمونه‌ها بر اساس تعداد بلوک‌ها (۸ بلوک) به‌طور طبقه‌بندی شده انتخاب شد. سپس در

داخل هر بلوک، نمونه‌ها به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. شیوه به کاررفته شده در تحلیل داده‌ها، شیوه‌های آماری مربوط به سنجش فراوانی و روابط همبستگی پیرسون بوده است که با کمک نرم‌افزار تحلیلی SPSS انجام شد.

۱. شخصی‌سازی

خانه، مبدأ و مقصد زندگی روزمره انسان است. انسان‌ها برای کار و فعالیت اجتماعی از آن خارج می‌شوند و پس از کار و کسب تجربه به خانه بازمی‌گردند. خانه گوشه‌ای است که ما پس از تجربه ابعاد مختلف جهان پیرامون، به آن باز می‌گردیم. خانه برای انسان از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان آن را مرکز دنیای فرد نامید. خانه آدمی در بلوک‌های مسکونی در پشت چند پنجره یکنواخت و هم‌شکل با دیگران، قرار دارد که نه فقط برای میهمان، بلکه برای افراد خانواده نیز تشخیص آن از بیرون مشکل است (سجادی قائم‌مقامی، پوردیهیمی و زرغامی، ۱۳۸۹). چنین مکان‌هایی فاقد هویت^۱ هستند و نمی‌توانند برای کاربران، اغناکننده باشند. در دنیای امروز، دستیابی به هویت در تمامی جنبه‌ها من جمله «مکان با هویت و هویت‌بخش»، امری مهم و ضروری است. راپاپورت (۱۹۶۹)، لینچ (۱۳۸۱)، شولتز (۱۳۸۱)، کاترین و وادارد (۲۰۰۳)، استوارت هال (۱۳۸۲) و الکساندر (۱۳۸۶)، هویت را شامل تشابه با خودی و تمایز از غیر دانسته‌اند که در دو حوزه فردی و جمعی تبیین می‌شود.

شخصی‌سازی^۲ به این مفهوم است که ساکنین و شهروندان قادر باشند به طریقی مَهر خود را بر یک مکان بزنند و به‌گونه‌ای آن را متعلق به خود و شخصی نمایند (بنتی، ۱۳۸۲). شخصی‌سازی، ممکن است از تصمیمات کلی طراحی تا کوچک‌ترین بازسازی‌ها یا آرایش‌های پس از ساخت را شامل شود. در حقیقت شخصی‌سازی برای مکان و کاربران آن مکان، از طریق تمرکز بر «تمایز با غیر»، هویت ایجاد می‌کند.



شکل ۱- نسبت هویت و شخصی‌سازی، مأخذ: نگارندگان.

^۱ Identity

^۲ Personalization

براون و ورنر^۳ (۱۹۸۵)، معتقدند دلبستگی عمیق به یک مکان می‌تواند باعث تقویت احساس رضایت، دلبستگی به محیط و پیوستگی میان خویشتن خویش در گذشته، حال و آینده شود. مکان‌ها و فضاها، نمادهای بالقوه مهمی از شخص یا گروه هستند. دلبستگی‌های روان‌شناختی در سطوح مختلف شرایطی به وجود می‌آورند که افراد و گروه‌ها ظاهر مکان‌ها را طوری که برای احساس هویت آن‌ها مهم است، تغییر می‌دهند. آن‌ها همچنین بیان داشتند که زمانی که مالکان، قلمرو و محدوده خود را مرزبندی و اختصاصی می‌کنند، نمادها مفهوم مالکیت را منتقل کرده و جنبه‌های فردی و گروهی هویت را حفظ می‌کنند، بنابراین به نظر می‌رسد که محیط فیزیکی می‌تواند به عنوان نمادی باشد که مفاهیم و ارزش‌ها را به دیگران منتقل می‌کند. براون و ورنر همچنین معتقدند که می‌توان از طریق شخصی‌سازی محیط منجر به ایجاد هویت شد. آن‌ها اظهار داشتند که عمل شخصی‌سازی، منجر به احترام به خود و گرمی داشتن شخصیت خود می‌شود.

به عقیده **به لک**^۴ (۱۹۸۸)، **کورپلا**^۵ (۱۹۸۹) و **هال**^۶ (۱۹۹۲)، شخصی‌سازی منجر به بیان «خود گسترده» افراد می‌شود. اشیایی که فرد تهیه می‌کند، مکانی که فرد در جهان فیزیکی انتخاب می‌کند و افرادی که با آن‌ها معاشرت دارد، بیانی از خود گسترده هست. خود گسترده به عنوان ابزاری برای نشان دادن تصورات خود به دیگران به کار می‌رود. منظر خانه، طراحی و شخصی‌سازی خانه بیانگر تصور فرد از خود هست که باعث می‌شوند تا دیگران از عقاید، ارزش‌ها سطح زندگی و شیوه زندگی صاحب‌خانه آگاه شوند. یکی از عملکردهای این تصویرسازی این است که مفهومی درباره خود را به دیگران انتقال دهند و براساس عکس‌العمل‌هایی آن‌ها به این تصویرسازی، به ارزیابی خود بپردازند. ناهمگونی‌های سیمای و ظاهر مکان‌ها با خواست ساکنین آن‌ها، ممکن است باعث شود که یک مجموعه مسکونی نتواند عملکرد مطلوبی در این زمینه داشته باشد. ساکنان محل‌های ناهمگون ممکن است احساس کنند که دیگران در مورد آن‌ها تصورات اشتباهی دارند. این امر به این علت روی می‌دهد که تصور یک نفر از خود (سیستم ارزشی فرد) با تصویری که از طریق محیط از او ایجاد می‌شود، متفاوت است؛ بنابراین شخص با محل سکونت خود احساس بیگانگی می‌کند و همیشه باید به توجیه هویت خود بپردازد. تمایز از غیر در هویت فردی، از طریق شخصی‌سازی، منجر به بیان خود گسترده^۷ می‌شود.

گور و انون^۸ (۱۹۹۰)، مواردی از تأثیرات هویت در طراحی محیط مصنوع مشاهده کردند. آن‌ها یک مجتمع آپارتمانی را مورد بررسی قرار دادند که به نظر می‌رسید روابط اجتماعی مثبتی در آن برقرار باشد. در زمانی که این مجتمع

^۳ Brown and Werner

^۴ Belk

^۵ Korpela

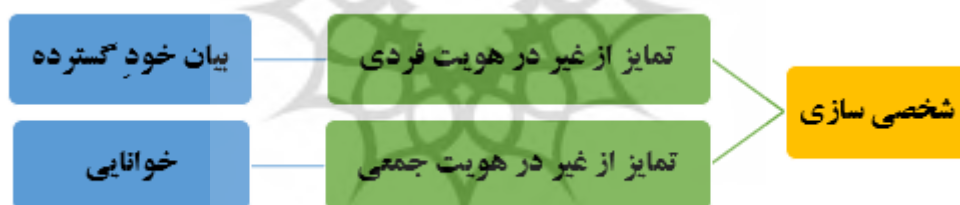
^۶ Hull

^۷ Extended Self

^۸ Gur and Enon

مورد مطالعه قرار می‌گرفت قدمت آن به ده سال می‌رسید و انتظار می‌رفت که روابط همسایگی مناسبی بین آن‌ها برقرار باشد، اما برخلاف انتظار چنین شرایطی وجود نداشت. ساکنان میدان زیبای موجود در منطقه را که عامل اصلی شهرت این منطقه محسوب می‌شد، مایه غرور خود می‌دانستند. اما حس تعلق به اجتماع در میان آنان ضعیف بود. تراکم زیاد و مجتمعی بودن آپارتمان‌ها ممکن است عوامل مهمی باشند که از ایجاد هویت و حس مالکیت جلوگیری کند. این مجتمع‌ها فرصتی برای شخصی‌سازی فراهم نمی‌کنند تا ساکنان به وسیله آن ویژگی‌ها شناخته شوند. طراحی محیط به صورت مجموعه‌ای و گروهی می‌تواند حس شخصی‌سازی ساکنان را محدود کند و باعث عدم خوانایی محیط توسط ساکنین و غریبه‌ها شود. با وجود آنکه میدان زیبای موجود در منطقه عامل خوشایند و رضایت‌مندی تلقی می‌شد، نمی‌توانست ظاهر مجتمعی بودن خانه‌ها را خنثی کند و هیچ زمینه‌ای برای ساکنان در جهت اختصاصی کردن فراهم نمی‌کرد.

هویت همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که باعث بازشناخت یک مکان و خوانایی محیط می‌شود و حس دل‌بستگی و حساسیت نسبت به محیط را به وجود می‌آورد. خاص بودن هر محیط به معنی اجتناب از یکنواختی، وجود تنوع و جذابیت است و در نحوه قرارگیری فضاها و طرز دسترسی به فضاها و در کاربری‌ها نیز می‌باید وجود داشته باشد (قطبی، ۱۳۸۷). تمایز از غیر در هویت جمعی، از طریق شخصی‌سازی، منجر به خوانایی^۱ می‌شود.



شکل ۲- پیامدهای شخصی‌سازی، مأخذ: نگارندگان.

۲ مجتمع‌های مسکونی حداقلی

سکونت سیستمی است که انسان و عرصه‌های زندگی، اجزای اصلی آن هستند و باهدف ارتقای انگیزش انسان و رشد قابلیت‌های او شکل می‌گیرد و تکامل می‌یابد. مسکن به‌عنوان جزو غیرزنده اکوسیستم سکونت، دارای سیستم پیچیده‌ای است که پاسخگوی بخشی از نیازهای انسان است. از این نگاه، مفهوم سکونت و مسکن از قالب واژه‌هایی چون آپارتمان، خانه‌های تک‌خانواری، خانه‌های ردیفی، پارکینگ، اتاق نشیمن، آشپزخانه، حمام و مانند آن که تصاویری منجمد است، بیرون می‌آید و توجه به عرصه‌های سکونت - محل بروز رفتارها - معطوف می‌گردد (مدنی و شفایی، ۱۳۹۲).

^۱ Legibility

مسکن حداقل، بستری است که در عرصه خصوصی شکل می‌گیرد و در نهایت کمینگی خود، هنوز کیفیت سکونت در آن جاری است و با کمینگی بیشتر، کارکرد اکوسیستم سکونت مختل می‌شود. این نگرانی وجود دارد که حداقل‌سازی، تعادل اکوسیستم سکونت را برهم زند (اهری و ارجمندنیا، ۱۳۶۸: ۱۳۲).

استفاده از ساختمان‌های بلند به‌منظور ایجاد مجتمع‌های مسکونی برای طبقه کم‌درآمد نه‌تنها در کشورهای قاره آمریکا (شمالی و جنوبی) ناموفق بوده، بلکه در اغلب کشورهای اروپایی نیز با شکست مواجه شده است (شوئوئر، ۱۹۹۴: ۱۲۱). این عدم موفقیت به عوامل مختلفی مرتبط است. در صورتی که این مجتمع‌های مسکونی هرکدام از مفاهیم مرتبط با هویت (فردی یا جمعی) را نداشته باشند، در ساکنین احساس ناخوشایند ایجاد می‌کنند. در این پژوهش، نمونه‌ای از مجتمع‌های مسکونی حداقلی که در قالب طرح مسکن مهر در شهر پردیس ساخته شده است، بررسی خواهد شد.

۳ وضعیت مجتمع‌های مسکونی از دید شخصی‌سازی

طراحی مسکن به‌صورت انبوه معمولاً تنزل در کیفیت بیان هویت انفرادی واحدهای مسکونی را به همراه دارد. در زمینه مسکن، به‌ویژه از زمانی که مسکن چندواحدی و ساخت انبوه مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار گرفته است، غالباً مزیت‌های ساخت‌وسازهای تکراری، نسبت به مشارکت ساکنین در برنامه‌ریزی و طراحی مجموعه‌های مسکونی حق تقدم داشته است. از سوی دیگر، نیاز مردم به سرپناه در بسیاری از موارد امکان انتخاب و اظهار نظر در مورد طراحی را در اولویت‌های بعدی قرار داده است. همچنین کنترل‌های حاصل از برنامه‌ریزی و مالکیت مشاع، ایجاد شناسه برای واحدهای مسکونی و امکان دخل و تصرف ساکنین را با مشکل مواجه می‌سازد. هویت و شناسه مجموعه‌های مسکونی به تمایز گروه‌های اجتماعی و افراد و به درک فضاهای اجتماعی که اشغال کرده‌اند، کمک می‌کند.

هویت و شناسه خاص برای هر خانه که در اثر شخصی‌سازی ایجاد می‌شود، می‌تواند هم از طریق فراهم‌آوردن تنوع بیشتر در طراحی واحدهای مسکونی و هم با فراهم‌آوردن فرصت‌های بیشتری برای تغییرات و اضافات در طرح مسکن توسط خود ساکنین به‌دست آید. راه اول به دلیل کنترل بیشتر بر زیبایی ساختمان بیشتر مورد توجه طراحان است، ولی تصمیم‌گیری در مورد طراحی را به‌طور کامل در اختیار طراح قرار می‌دهد. در اغلب موارد به دلیل این که بین هنجارها و ارزش‌های مورد قبول طراحان و استفاده‌کنندگان در بیان تشخص و شخصی‌سازی، تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد، این راه حل نمی‌تواند بهترین راه حل باشد. راه حل دوم، در عین این که می‌تواند منجر به طراحی‌های ناقصی شود که به امید مشارکت ساکنین در طراحی و تکمیل ساختمان، به شکل ناتمام رها شوند، از جهت افزایش کنترل ساکنین و کاهش اعمال نظر شخصی طراحان در ایجاد رنگ و بوی شخصی در بناهای مسکونی، راه حل مناسبی است. از نظر عملی و اجرایی، تعادلی بین این دو رویکرد که متناسب با درخواست‌های مردم و قابلیت‌های مورد نیاز بازار مسکن باشد و توانایی طراحی و خلاقیت لازم را به طراحان بدهد، و در عین حال فرصت‌هایی را برای اعمال سلیقه فردی ساکنین فراهم آورد، مناسب به نظر می‌رسد. توجه به این نکته ضروری است که افزایش تنوع در طراحی فرم‌های

ساختمانی می‌تواند تراکمی را که ادراک می‌شود، تعدیل کند؛ اما در مقابل به دلیل قابلیت استاندارد شدن کم‌تر، موجب افزایش هزینه‌های ساختمانی می‌شود.

رویکردهای مشورتی یا مشارکتی که ارتباط مناسبی را بین افراد مختلف از طریق غیررسمی، یا از طریق مشارکت اجتماعی سازمان داده شده در فرایند طراحی فراهم می‌آورند، می‌توان راه‌حل میانه‌ای را برای طراحی به‌وجود آورد. این مشارکت معمولاً از طریق کارگاه‌های طراحی یا گروه‌های طراحی مجموعه‌های مسکونی کوچک و تعاونی‌های مسکن با حضور نمایندگان از ساکنین محلی انجام می‌پذیرد. در صورتی که ساکنین یک مجموعه از قبل مشخص نباشند، نیازهای تعمیم داده شده جمعیت‌های مشابه ملاک طراحی قرار می‌گیرند. به‌رحال برای ایجاد تداوم فرهنگی - اجتماعی با محیط بیرونی مجموعه‌ها، مطالعه و شناخت ویژگی‌ها و خواسته‌های ساکنین واقعی آن‌ها یک ضرورت است (عینی‌فر، ۱۳۷۹).

۴. بررسی زمینه‌ای نمونه موردی

ساخت مجتمع مسکونی زیتون توسط شرکت سرمایه‌گذاری مسکن الوند و به سفارش شرکت عمران شهر جدید پردیس، در سال ۱۳۹۱ پایان یافت. این مجتمع مشتمل بر ۸ بلوک مسکونی و مجموعاً دارای ۴۳۲ واحد مسکونی است و هم‌اکنون سکونت در ۳۷۸ واحد مسکونی وجود دارد. هر بلوک دارای ۲۷ واحد یک‌خوابه - متراژ ۶۴ مترمربع - و ۲۷ واحد دوخوابه - متراژ ۷۸ مترمربع - هست. تعداد طبقات هر بلوک ۸ طبقه روی پیلوت هست. انتخاب این مجتمع به‌عنوان نمونه موردی، از این جهت حائز اهمیت است که هم تعداد زیادی از ساکنین آن مالک هستند و هم متوسط سن سکونت بالای ۲ سال دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



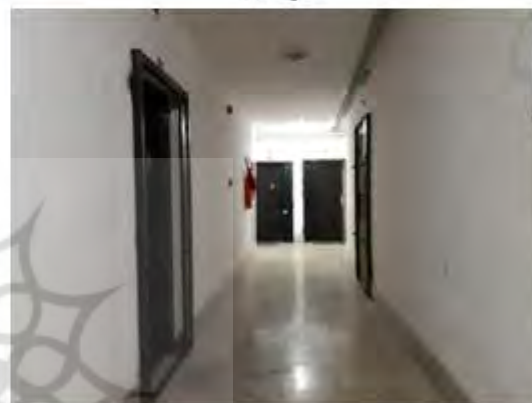
شکل ۳- ورودی یکی از بلوک‌ها در مجتمع زیتون شهر پردیس، مآخذ: نگارندگان.



شکل ۴- فضای باز مجتمع مسکن مهر زیتون شهر پردیس، مآخذ: نگارندگان.



شکل ۵- ورودی محله‌ها در مجتمع مسکن مهر زیتون شهر پردیس، مآخذ: نگارندگان.



شکل ۶- راهروی طبقات در مجتمع مسکن مهر زیتون شهر پردیس، مآخذ: نگارندگان.

۵. یافته‌ها

پرسش‌نامه‌ای که در این پژوهش تنظیم شد، دارای تعدادی سؤالات زمینه‌ای، ۲۶ سؤال گزینه‌ای نگرش‌سنجی بر مبنای طیف لیکرت و ۳ سؤال باز بود. سؤالات بر مبنای مبانی نظری پژوهش و بر اساس مفاهیم شخصی‌سازی (به‌عنوان یکی از وجوه تبیین هویت)، بیان خود گسترده (هویت فردی ناشی از شخصی‌سازی) و خوانایی (هویت جمعی ناشی از شخصی‌سازی) بود.

۵.۱. گزارش اطلاعات زمینه‌ای

۵۵٪ پاسخ‌دهندگان خانم‌ها و ۴۵٪ آنان آقایان هستند و میانگین سنی پاسخ‌دهندگان، ۳۴ سال است. میانگین مدت سکونت آنان در شهر پردیس ۳.۸ سال و میانگین مدت سکونت آنان در مجتمع مسکن مهر زیتون، ۲.۶ سال است. بیشترین فراوانی میزان تحصیلات مربوط به دیپلم است (۵۴٪) و در رده بعدی، تحصیلات لیسانس با فراوانی ۲۴٪ قرار دارد. خانم‌های خانه‌دار با فراوانی ۸۱ درصدی در میان کل خانم‌ها در رتبه اول و مردان با شغل آزاد با فراوانی ۷۳ درصدی در میان آقایان، در رتبه اول قرار دارند؛ یعنی اکثریت افراد جامعه نمونه شامل مردان با شغل آزاد و زنان خانه‌دار است.

۹۱٪ ساکنین مجتمع، خویشاوندی در این مجتمع ندارند و ۷۲٪ ساکنین، میزان ارتباط خود با همسایگان را خیلی کم و کم بیان نمودند. همچنین، آن دسته از ساکنینی که در این مجتمع خویشاوند داشته‌اند (۹٪)، میزان ارتباط با همسایگان را متوسط، زیاد و خیلی زیاد بیان کرده‌اند؛ یعنی با صرف‌نظر نمودن از عوامل مداخله‌گر، داشتن خویشاوند در این مجتمع باعث افزایش روابط همسایگی شده است.



تبیین هویت از طریق شخصی سازی		مجتمع مسکونی حداقلی					
بیان خود گسترده (هویت فردی)		خوانایی (هویت جمعی)		سنجش نگرش از فضاهای خصوصی		سنجش نگرش از فضاهای مشاع (میانه و عمومی)	
(۵) کاشت یا رسیدگی به گیاهان در فضای باز	I کاشت گیاه	(۱) همسانی خانه شخص با همسایگان در یک بلوک	G همسانی شکل واحدها	(۱۵) رضایت از ساختار داخل خانه به‌طور کلی	C ساختار کلی	(۳) فضای باز برای بازی کودکان	A فضای باز
(۶) کاشت یا رسیدگی به گیاهان در ورودی بلوک		(۲) همسانی خانه شخص با همسایگان در کل مجتمع		(۱۷) رضایت از ابعاد اتاق‌ها		(۴) فضای باز برای نشستن و قدم‌زدن	
(۷) ایجاد تفاوت برای در ورودی بلوک	J تغییر در فضای مشاع بلوک	(۸) لزوم دانستن شماره بلوک برای آدرس یابی	H آدرس یابی	(۱۸) رضایت از ابعاد آشپزخانه	D ابعاد فضاها	(۱۱) کاربرد لابی بلوک برای تعامل با ساکنین بلوک	B لابی
(۹) تزئین بلوک و لابی برای نوروز				(۲۰) رضایت از ابعاد فضای اتاق نشیمن		(۱۲) کاربرد لابی بلوک برای تعامل با ساکنین سایر بلوک‌ها	
(۱۰) اقدامات زیباسازی در لابی یا راه‌پله				(۲۱) رضایت از ابعاد سرویس بهداشتی و حمام		(۱۳) کاربرد لابی بلوک برای تعامل با غریبه‌ها	
(۱۴) تغییر در ورودی واحد بنا به سلیقه شخصی				(۲۳) رضایت از ابعاد و مکان‌یابی بالکن			
(۲۴) اندیشیدن به تغییر ابعاد اتاق‌ها	K			(۱۶) رضایت از تعداد اتاق‌ها	E		

(۲۵) اندیشیدن به تغییر ابعاد آشپزخانه	اندیشه تغییر ابعاد فضاها		(۲۲) رضایت از تعداد و مکان یابی پنجره ها	تعداد فضاها	
(۲۶) اندیشیدن به تغییر ابعاد سرویس بهداشتی و حمام			(۱۹) رضایت از این بودن آشپزخانه	F نوع آشپزخانه	
سؤال باز (۲۸) اقدام برای تغییر ساختار درونی خانه	L اقدام برای تغییرات داخلی خانه				
سؤال باز (۲۹) اقدام به تغییر در رنگ، تزئینات و دکوراسیون خانه					

۵،۳. تحلیل روابط همبستگی بین متغیرها

به منظور تحلیل روابط همبستگی، دسته بندی کلی تر گویه ها در قالب ۱۲ مورد (A-L) مدنظر قرار می گیرد. به منظور اختصاص فراوانی پاسخ های سؤالات گزینه ای طیف لیکرت به ۱۱ مورد (A-K) از آنها، از شیوه محاسبه میانگین پاسخ به هر گزینه در سؤالات آن گروه استفاده شد. گروه ۱۲ (L)، به سؤالات پاسخ باز اشاره داشت که با شیوه توصیفی تحلیل شد.

از آزمون همبستگی پیرسون جهت آزمون رابطه دومتغیره فضای باز (A) و کاشت گیاه (I) استفاده شد. بین میزان رضایت از فضای باز و میزان مشارکت در کاشت یا رسیدگی گیاهان، همبستگی معناداری مشاهده نشد، در نتیجه از جنبه آماری دو متغیر مذکور با یکدیگر رابطه ندارند ($r = -0,53$, $p = 0,6$). میانگین رضایت از فضای باز، ۳،۸ و میزان مشارکت در کاشت یا رسیدگی به گیاهان نیز ۱،۲ بود. مشاهدات میدانی و وضعیت نابسامان گیاهان و فضای سبز نیز مؤید این مطلب بود.

آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین متغیر لابی (B) و تغییر در فضای مشاع بلوک (J) همبستگی وجود دارد. جهت رابطه بین میزان رضایت از لابی و تعاملات در آن و میزان مشارکت در ایجاد تغییر یا زیباسازی در فضای راه پله و لابی، مثبت است. شدت همبستگی به دست آمده در حد متوسط است. نتایج نشان می دهد ساکنینی که رضایتشان از فضای لابی در حد بالاتری است، برای ایجاد زیبایی و تغییر در بلوک خود نیز بیشتر می کوشند. میانگین رضایت از نقش لابی برای ایجاد تعاملات ۲،۵ و میانگین میزان مشارکت برای تغییر و زیباسازی بلوک نیز ۳،۳ بود. ($p = 0,004$, $r = 0,45$).

آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین همسانی شکل واحدها (G) و تغییر در فضای مشاع بلوک (J) همبستگی وجود دارد. جهت رابطه بین میزان رضایت از همسانی شکل واحدها و میزان مشارکت در ایجاد تغییر یا زیباسازی در ورودی بلوک، در ورودی واحد، راه‌پله و لابی، منفی است. شدت همبستگی به‌دست‌آمده در حد قوی است. نتایج نشان می‌دهد ساکنینی که میزان ناراضی‌تری از همسانی شکل واحدها دارند، برای ایجاد زیبایی و تغییر در بلوک و واحد خود بیشتر می‌کوشند. میانگین رضایت از همسانی شکل واحدها ۰.۷ و میانگین میزان مشارکت برای تغییر و زیباسازی بلوک نیز ۳.۳ بود. ($r = -0.74$, $p = 0.002$).

آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین متغیر ابعاد فضاها (D) و اندیشه تغییر ابعاد فضاها (K) همبستگی وجود ندارد. بین میزان رضایت از ابعاد فضاهای داخلی خانه (اتاق‌ها، سرویس، حمام، نشیمن، آشپزخانه و پنجره‌ها) و میزان اندیشیدن فرد به ایجاد تغییر در ابعاد این فضاها، از جهت آماری رابطه‌ای وجود ندارد. میانگین رضایت از ابعاد فضاها، ۱.۲ و میانگین میزان اندیشیدن به تغییر ابعاد فضاها ۴.۳ بود. در واقع، فارغ از رضایت داشتن یا نداشتن از ابعاد فضاها، موضوع تغییر ابعاد فضاها از دغدغه‌های ذهنی ساکنین بوده است ($r = -0.33$, $p = 0.05$).

۵.۴. تحلیل سؤالات با پاسخ باز

در تحلیل سؤالات با پاسخ باز، موارد زیر استخراج شده است:

۳۹٪ پاسخ‌دهندگان تغییراتی در رنگ واحد مسکونی خود ایجاد نموده‌اند و پوشش اولیه را (کنیتکس به رنگ صورتی برای تمامی فضاهای خانه) نامناسب ارزیابی کرده‌اند.

همچنین تقریباً تمامی پاسخ‌دهندگان به دلیل محدودیت‌های مالی، زحمت فراوان، عدم اطمینان از ادامه سکونت در مجتمع و نبود امکان تغییرات چشمگیر، اقدام به تغییر در ساختار داخلی خانه ننموده‌اند.

در پاسخ به این سؤال که «اگر از ابتدا در طراحی خانه خود مشارکت داشتید، چه تغییراتی در آن ایجاد می‌کردید؟»، ۹۱٪ افراد پاسخی نوشته‌اند که به‌نظر می‌رسد اندیشیدن به این سؤال برای ساکنین جالب‌توجه بوده و ایجاد انگیزه برای ارائه پاسخ نموده است. ۱۷٪ افراد ذکر کردند که فضای اتاق‌ها را کوچک‌تر می‌کردند تا اتاق نشیمن بزرگ‌تر شود. ۲۹٪ افراد نیز بیان داشتند که آشپزخانه را کوچک‌تر کرده و یا سکوی این بین آشپزخانه و نشیمن را کاملاً حذف می‌نمودند. ۲۳٪ افراد نیز بیان داشتند که ابعاد نورگیر خانه را افزایش می‌دادند.

نتیجه‌گیری

در مجموع به‌نظر می‌رسد میزان ناراضی‌تی ساکنین از قسمت‌های مختلف مجتمع مورد بررسی، بیش از متوسط است و این در حالی است که در مجموع میزان مشارکت آنان در برطرف نمودن منشأ ناراضی‌تی‌ها نیز بسیار کم است. نتایج حاکی از آن است که اگرچه فضای باز این مجتمع از نظر عناصر گیاهی و طبیعی فقیر است و ساکنان نیز از این وضع ناراضی‌اند، اما اقدامی نیز برای رفع آن انجام نمی‌دهند. اما در فضاهای بسته عمومی، ساکنینی که رضایتشان از فضای

لابی و ناراضایتی‌شان از همسانی شکل واحدها در حد بالاتری است، برای ایجاد زیبایی و تغییر در بلوک خود نیز بیشتر می‌کوشند. به نظر می‌رسد هرچه از فضاهای عمومی‌تر به فضای خصوصی‌تر می‌رسیم، دغدغه ذهنی و تمایل به مشارکت برای تغییر و شخصی‌سازی افزایش می‌یابد. به طور مثال، فارغ از رضایت داشتن یا نداشتن از ابعاد فضاها، موضوع تغییر ابعاد فضاها، از دغدغه‌های مهم ذهنی ساکنین بوده است.

درحقیقت، نتایج نشان می‌دهد که در مجتمع مسکونی زیتون، تبیین هویت فردی از طریق شخصی‌سازی (بیان خود گسترده) به تبیین هویت جمعی (خوانایی) برای ساکنین ارجح است. به نظر می‌رسد در سایر مجتمع‌های مسکن مهر (شبهه به نمونه موردی) که در شهر پردیس ساخته شده‌اند، همین نتایج حاکم باشد و ساکنینی که نتوانسته‌اند به‌گونه‌ای شایسته، خود گسترده و هویت فردی خویش را از طریق شخصی‌سازی و منحصربه‌فرد بودن بیان نمایند، نسبت به تبیین هویت جمعی نیز دغدغه‌مند نخواهند بود.

همچنین منفعل ماندن ساکنین نسبت به عوامل ناراضایتی می‌تواند به دلایل زیر باشد:

- ✓ عدم توانایی آنان در تغییر موارد ثابت (ابعاد خانه، فرم و نمای بلوک‌ها)
- ✓ عدم وجود تصمیمات منسجم توسط هیئت‌مدیره‌ها برای مدیریت و ساماندهی فضای سبز و وضعیت گیاهان و تشویق ساکنین به کاشت، رسیدگی و نگهداری
- ✓ عدم اطمینان آنان از میزان ادامه سکونتشان در این مجتمع. در واقع وقتی آنان مطمئن نیستند که چند ماه یا چند سال دیگر می‌خواهند در این مجتمع بمانند، تمایلشان به مشارکت در ارتقای شرایط کیفی و کالبدی مجتمع کاهش می‌یابد و بی‌انگیزه می‌شوند.
- ✓ عدم پیگیری مصراانه مطالبات از سوی ساکنین. به طور مثال درحالی‌که میانگین سنی ساکنین ۳۴ سال است و اغلب خانم‌های ساکن نیز خانه‌دار هستند و نیاز به گذران اوقات خود در فضای باز مجتمع دارند و همچنین وضعیت فضای باز را نیز نامناسب ارزیابی کرده‌اند، اما تاکنون هیچ تلاش منجر به اقدامی برای بهبود این وضعیت ننموده‌اند و بنابر مشاهدات میدانی، فضای باز مجتمع، صرفاً به فضایی جهت پارک ماشین‌ها بدل شده است.

فهرست منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۶). معماری و راز جاودانگی، راه بی‌زمان ساختن، ترجمه مهرداد قیومی بید هندی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بن‌تلی، ای.ین. (۱۳۸۲). محیط‌های پاسخ‌ده، کتاب راهنمای طراحان شهری، ترجمه: مصطفی بهزادفر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- شوئنوئر، نوربرت. (۱۳۸۹). مسکن، حومه و شهر، ترجمه: شهرام پور دیهیمی، تهران: انتشارات روزنه.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۱). سیمای شهر، ترجمه: منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نور برگ شولتز، کریستین. (۱۳۸۱). معماری: حضور، زبان و مکان، ترجمه: علیرضا سید احمدیان، تهران: مؤسسه معمار - نشر.

هال، استوارت. (۱۳۸۲). «رمزگذاری و رمزگشایی». در سایمون دیو رینگ، مطالعات فرهنگی (مجموعه مقالات)، ترجمه: نیما ملک‌محمدی و شهریار وقفی‌پور، تهران: نشر تلخون.

مقالات

- بمانیان، محمدرضا؛ غلامی رستم، نسیم و رحمت‌پناه، جنت. (۱۳۸۹). «عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی، نمونه موردی: خانه رسولیان یزد»، دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی، دوره ۷، شماره ۱۳، ۳۳.
- سجادی قائم‌مقامی، پروین سادات؛ پوردیهیمی، شهرام و ضرغامی، اسماعیل. (۱۳۸۹). «اصول پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی از دید جامعه صاحب‌نظران و متخصصان ایرانی»، صغه، شماره ۵۱، ۲۲.
- عینی‌فر، علیرضا. (۱۳۷۹). «عوامل انسانی - محیطی مؤثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۸، ۶۶.
- قطبی، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). «مفهوم هویت و معماری امروز ایران». آینه خیال، شماره ۱۰، ۱۴.
- مدنی، رامین و شفایی، مینو. (۱۳۹۲). «راهکارهای طراحی عرصه میانه با رویکرد جبران‌سازی مسکن حداقل در ایران»، معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۱۱، ۱.
- میر مقتدایی، مهتا. (۱۳۸۳). «معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها»، هنرهای زیبا، شماره ۱۹، ۱۲.

منابع لاتین

Barbara B. Brown and Carol M. Werner. (۱۹۸۵). "Social Cohesiveness, Territoriality, and Holiday Decorations: The influence of Cul-de-Sacs", **Environment and behavior**, vol.۷۷, No.۵.

K. M. Korpela. (۱۹۹۹). "Plan-Identity as a product of Environmental Self-Regulation", **Journal of Environmental Psychology**, Vol.۹, No.۳.

R.B. Hull IV. (۲۰۲۲). "Image Congruity, Place Attachment and Community Design", **Journal of Architecture and Planning**, Vol.۹, No.۳.

Rapoport, A. (۱۹۹۹). **House Form and Culture**, Prentice-Hall, Englewood Cliffs, N.

Russell W. Belk. (۱۹۸۸). "Possessions and the Extended Self", **Journal of Consumer Research**, Vol.۱۵, No.۲.

So. Gur and O. Enon. (۲۰۰۰). "The Changing Socio-Spatial Aspects of Neighborhoods and Their Design Implications, Ankara, **IAPS-METU**, vol.۱.

Woodward, K. (۲۰۰۳). **Understanding Identity**, Hodder Arnold, London, UK.

